



میر عبدالواحد سادات

## "مردم بزرگ و رهبران کوچک"

در بزرگی مردم افغانستان هر چه بگوییم کم گفته ایم . مردمی که طولانی ترین جنگ تحمیلی تاریخ را با تمام مشقات و عواقب خونبار آن متحمل میگردند ، دوسال قبل با اشتراک در انتخابات حماسه آفریدند و به جهانیان پیام دادند که:

صلح ، ثبات ، تغییر و حاکمیت قانون میخواهیم و افغانستان حق دارد و مردم آن مستحق میباشند تا به شاهراه بازسازی و ترقی گذار نمایند . اظهر من الشمس است که در انتخابات چنانچه این قلم در همان وقت نیز نوشته بود ، کدام نیلسن ماندیلا کاندید نبود تا مردم بخاطر گل روی او قربانی بدهند ، مردم از فساد و فساد سالاران ، تاجران دین، تیکه داران « جهاد » و دکانداران قوم به بینی رسیده اند و میخواستند و میخواهند تا حاکمیت قانون در کشور استقرار یابد و قانون بدون هر نوع تبعیض و تمایز حقوق هر شهروند افغان را تامین و تضمین نماید . اما متأسفانه تقلب گسترده توسط هردو تیم در دور دوم ، عدم تمکین به قانون ، با نوعی مهندسی سکانداران دولت وقت و دسایس بیرونی زمینه های آشوب طلبی را مساعد و بهانه برای پا درمیانی بلند قد ترین وزیر خارجه جهان فراهم ساخته شد . آقای « ک » با طرح « فضولی » که در آستین داشت ، دیموکراسی نو پا را سلاخی و حاکمیت ملی افغانستان را که به صورت انحصاری ب مردم تعلق دارد ، تقسیم و به دو تیم رقیب بمنابۀ غنیمت ، باج و تحفه داد . معنی ساده این گستاخی بحقوق مردم افغانستان آن بود که : امریکا بخاطر مدیریت درست بحران به حکومت شکنند تر ، دستنگرتر و محتاج تر ضرورت دارد ، در غیر آن کدام عقل سلیم می پذیرد که هم شمارش مجدد آرا و با مصارف گزاف تجویز گردید و همزمان و قبل از وقت موافقت نامه سیاسی تقسیم قدرت را برآنان امضا نمود.

من در آن وقت قصه از مثنوی شریف و این کلام حضرت مولانا را نوشتم:

شیر بی یال و دم و اشکم که دید ؟  
این چنین شیری خدا کی آفرید ؟

از قدیم شنیده ایم که : بار کج به منزل نمیرسد . آقایان « ع » و « غ » منافع ملی و ثبات سازی را همیشه دلیل این شهکار شان وانمود نموده اند و متأسفانه در عمل حاکمیت ملی را در وجود الیگارشی تیمی خلاصه ساخته و هربار تمام جنگ و جدل شان بر تقرر نزد یکانشان میباشد . در حالیکه هفده ولایت در معرض تهدید بلند امنیتی قرار دارد و همه روزه فرزندان فداکار مردم در قوای مسلح قربانی میدهند ، آقایان با خیانت به آرمان و اراده مردم بزرگ از عقب دیوار های قصر همانند امباق ها همدیگر را طعنه میدهند ( جالب بود که حتی در همانروز جنگ های زرگری ، در مجلس یاد و بود مرحوم حشمت کرزی دستان همدیگر را بلند نمودند).

دیر یا زود مردم از شر فساد سالاران ، تاجران دین و « جهاد » و دکانداران قوم نجات خواهند یافت و اما تاریخ مضحکه « رهبران کوچک » را با مردم بزرگ ، حماسه آفرین و فداکار به زشتی باز گو خواهد کرد.